



مصطفی قدیمی فرد
@ghadimifardarabi
۰۹۱۷۴۴۰۳۱۹

■ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶ - ۳۵)

۲۶- (لا يعلم من في السماوات و الأرض الغیب إلا الله):

- (۱) تنها الله است که عیب آسمانها و زمین را می‌داند!
- (۲) فقط الله است که عیبی را که در آسمانها و زمین است می‌داند!
- (۳) کسی که در آسمانها و زمین است غیب را نمی‌داند مگر خداوند!
- (۴) هر آنکس در آسمانها و زمین است هیچ عیبی را نمی‌داند جز خداوند!

۲۶- گزینه ۳

الغیب (معرفه: غیب)، رد گزینه ۲ و ۴ بصورت نکره ترجمه شده (عیبی)

در گزینه ۱: **غیب آسمانها** (مضاف و مضاف الیه)، در صورتیکه در روی سوال «غیب السماوات» مضاف و مضاف الیه نداریم **لا يعلم** (نوع لا: لا منفی مضارع: نمی‌داند) **إلا**: نمی‌داند...جز یا مگر... / فقط...می‌داند، رد گزینه ۴ هیچ اضافیه

۲۷- «إبتسم للنّاس، لأنهم قد يكونون محزونين في قلوبهم و أنت لا تعلم، فعندما تبسم لهم ينسون حزنهم لحظة!»:

به مردم لبخند بزَن

(۱) برای اینکه **احیاناً** آنها در دلشان ناراحتند **حال آنکه** تو نمی‌دانی، **آنگاه** که به ایشان **می‌خندی**، لحظه ای غمشان فراموش می‌شود!

(۲) **زیرا اگر** **احیاناً** آنها در دلشان غمگین باشند **تو ندانی**، وقتی که به آنها **لبخند می‌زنی**، در یک لحظه غمشان را فراموش می‌کنند!

(۳) **برای اینکه اگر** گاهی در درون خود ناراحت باشند **تو ندانی**، پس هنگامی که به آنها **می‌خندی** برای یک لحظه غمشان فراموش می‌شود!

(۴) **زیرا گاهی** آنها در درونشان غمگین می‌باشند، **در حالی که** تو نمی‌دانی، پس وقتی به آنها **لبخند می‌زنی**، برای لحظه ای غم خود را فراموش می‌کنند!

فعل غابا معلوم و متعدي و باید طور

ترجمه شود که او را و آن را بهتر بفرود

۲۷- گزینه ۴

لأن (برای اینکه، زیرا)، رد گزینه ۲ و ۳؛ (اگر اضافیه) برای اینکه اگر... / زیرا اگر.....

و أنت لا تعلم (نوع واو: واو حالیه): حال آنکه، در حالیکه، رد گزینه ۲ و ۳، بصورت واو ترجمه کرده

تبسم: لبخند می‌زنی، رد گزینه ۱ و ۳ (می‌خندی)

ينسون حزنهم (متعدی و جمع: فراموش می‌کنند)، رد گزینه ۱ و ۳ (فراموش می‌شود) فعل + اسم



۲۸- « إن یکن کلام الخطیب مناسباً لفهم المستمعین و علی مستوى ثقافتهم، فسیذوقون کأساً من الکرامة!»:

- ۱) هرگاه کلام سخنور شایسته فهم شنوندگان و در حد فرهنگ آنها باشد، در حقیقت آنها جامی از بزرگی می‌چشند!
- ۲) اگر سخن سخنران متناسب با فهم مستمعان و همسطح فرهنگ آنها باشد، پس آنان جامی از کرامت خواهند چشید!
- ۳) اگر کلمات سخنران با فهم مستمعان تناسب داشته و در حد و اندازه فرهنگ و تمدنشان باشد، سخنرانان جامی از بزرگواری خواهند چشید!
- ۴) چنانچه سخنران خطیب لایق فهم و سمع شنوندگان و متناسب با فرهنگ و تمدن آنها باشد، پس آنگاه شنوندگان جامی از عزت خواهند چشید!

۲۸- گزینه ۲

کلام (مفرد: کلام، سخن)، رد گزینه ۳ و ۴ بصورت جمع ترجمه کرده (کلمات، سخنان)

ثقافتهم: فرهنگشان، رد گزینه ۳ و ۴، فرهنگ و تمدنشان (تمدن، اضافیه و معادل عربی آن در روی سوال نیست) الحضارة= تمدن

سیذوقون (س+ مضارع= آینده مثبت: خواهند چشید)، رد گزینه ۱ (می‌چشند: مضارع اخباری) در حقیقت، اضافیه، رد گزینه ۱

خیلی مهم: سیذوقون: جمع مذكر، پس به المستمعین بر میگردد و به الخطیب (مفرد مذكر) بر نمی‌گردد، رد گزینه ۳

(سخنرانان جامی از بزرگواری خواهند چشید)= خطا (شنوندگان جامی از عزت خواهند چشید)= صحیح

۲۹- « العالم الحقیقی الَّذی له افکار عمیقة و حدیثة لا یدعی أنه یرف کل شیء لآنه لا یستطیع أن یرکب!»:

- ۱) عالم واقعی که دارای افکاری ژرف و بلند است هرگز مدعی شناخت همه اشیا نیست، زیرا قادر به دروغ گفتن نمی‌باشد!
- ۲) عالم حقیقی دارای افکار عمیق و نو می‌باشد، اما قادر نیست دروغ بگوید، زیرا نمی‌تواند ادعا کند که همه چیز را می‌شناسد!
- ۳) دانشمند واقعی که دارای اندیشه‌های عمیق و تازه است، ادعا نمی‌کند هر چیزی را می‌داند، زیرا او نمی‌تواند دروغ بگوید!
- ۴) دانشمند حقیقی کسی است که اندیشه‌های ژرف و جدید دارد، اما ادعا نمی‌کند که هر چیزی را می‌داند، زیرا نمی‌تواند دروغ بگوید!

۲۹- گزینه ۳

افکار عمیقة و حدیثة (نکره: افکاری عمیق و نو یا افکار عمیق و جدیدی)، رد گزینه ۲ و ۳ و ۴ (اندیشه‌های عمیق و تازه: معرفه)

کل شیء: هر چیزی، رد گزینه ۱ و ۲، همه اشیا، همه چیز

لا یدعی: ادعا نمی‌کند، رد گزینه ۱ (هرگز مدعی نیست)، رد گزینه ۲ و ۴ (اما ادعا نمی‌کند) هرگز و اما، اضافیه

العالم (مبتدا) و لا یدعی (خبر)، رد گزینه ۲ و ۴، فقط در گزینه ۳ و ۱ لا یدعی را بصورت خبر ترجمه کرده

یرف (می‌شناسد، می‌داند)، رد گزینه ۱، فعل را بصورت مصدر ترجمه کرده (شناخت)

نکته ترجمه ای مهم: در روی ۱۰ تست ترجمه نوشته:

*عین الأنسب للجواب عن الترجمة: مناسب تر برای ترجمه انتخاب کنید یعنی ممکن است جواب صحیحمون هم خطا داشته باشه پس ما باید گزینه ای را انتخاب کنیم که خطا های آن کمتر باشه: (پس بار اول با پیدا کردن یک خطا سریع تصمیم نگیرید)

این تست: گزینه ۱: سه خطا / گزینه ۲: چهار خطا / گزینه ۳: یک خطا (افکار، نکره است ولی بصورت معرفه ترجمه کرده) / گزینه ۴: سه خطا



۳۰- «لَا يَصِلُ إِلَى النَّجَاحِ إِلَّا الَّذِينَ يَحَاوِلُونَ كَثِيرًا وَ لَا يَهْرَبُونَ مِنْ الْفَشْلِ وَ لَا يَقَوْمُونَ بِعَمَلٍ يَخْجَلُونَ مِنْهُ وَ يَتَدَمُونَ عَلَيْهِ!»:

(۱) به موفقیت نمی رسند مگر کسانی که سخت تلاش کنند و از شکست نترسند، و هرگز کاری نکنند که از آن کار شرمنده و بخاطرش نادم گردند!

(۲) فقط کسانی به موفقیت می رسند که بسیار تلاش می کنند و از شکست خوردن نمی گریزند و کاری نمی کنند که از آن شرمنده و پشیمان شوند!

(۳) تنها کسانی که سخت تلاش می کنند، به موفقیت دست یافته و از شکست خوردن نمی هراسند، پس عملی انجام نمی دهند که خجلت زده و نادم شوند!

(۴) کسانی که بسیار تلاش می کنند، فقط به موفقیت دست می یابند، و از شکست فرار نمی کنند، پس قطعاً عملی انجام نمی دهند که از آن خجالت بکشند و پشیمان گردند!

۳۰- گزینه ۲

يصل.....إلا الذين.....: لا.....إلا به دو شکل ترجمه می شود:

۱- منفی...بجز: نمی رسند..... مگر یا بجز کسانی که ...

۲- مثبت...موگد«فقط و تنها» فقط کسانی...می رسند..(فقط در ترجمه بر سر کلمه از إلا میاد) رد گزینه ۴ چون فقط بر سر

«الذین» نیاورده بر سر جمله قبل از إلا آمده(فقط به موفقیت دست می یابند)

لا يهرَبون(مضارع اخباری بمعنای نمی گریزند، فرار نمی کنند)، رد گزینه ۱(نترسند) و رد گزینه ۳(نمی هراسند)

و لا يقومون بعمل(مضارع اخباری: و کاری انجام نمی دهند)، رد گزینه ۱(و هرگز اضافه) و رد گزینه ۳(پس) و رد گزینه ۴(پس قطعاً)

۳۱- «يُمْكِنُ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَدْخُلَ فِي قُلُوبِ الْآخِرِينَ دُونَ أَنْ يَنْطِقَ بِكَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ؛ فَيَكْفِيهِ أَنْ يُزَيِّنَ سَلْوَكَةً بِالصِّفَاتِ الْحَمِيدَةِ!»:

(۱) برای انسان ممکن است بدون اینکه کلمه ای بگوید وارد قلب های دیگران شود؛ از این رو کافی است که رفتارش را با صفات پسندیده مزین کند!

(۲) برای انسان ممکن است که بدون حرف زدن در دل های دیگر ورود کند، فقط باید رفتارش با ویژگیهای پسندیده زینت داده شود!

(۳) انسان می تواند خود را در قلوب دیگران وارد کند بی آنکه کلامی بگوید، برای او بس است که اعمالش را با خوبی ستوده بیاراید!

(۴) انسان می تواند بدون کلمه ای حرف زدن در دل دیگران نفوذ کند، کافی است که روشهای خود را آراسته گرداند!

۳۱- گزینه ۱

يُمْكِنُ (ممکن است)، رد گزینه ۳ و ۴ (می تواند)

الآخِرِينَ(دیگران)، رد گزینه ۲، بصورت مفرد ترجمه شده(دیگر)

أَنْ يُزَيِّنَ سَلْوَكَةً (آن یزین سلوگه) (آن یزین: فعل مضارع از وزن تفعیل و معلوم: آراسته کند، بیاراید)، رد گزینه ۲ (زینت داده شود=مجهول)

(سلوک: رفتار)، رد گزینه ۳ و ۴ بصورت جمع و خطا ترجمه شده

الصفات الحميدة(صفات پسندیده)، رد گزینه ۳ بصورت مفرد ترجمه شده(خوبی ستوده) و رد گزینه ۴، ترجمه نشده



۳۲- «أنت يا معلم! قد كنت السبيل الوحيد لنجاحي، لقد تعلمت منك أنني لن أنجح في الحياة حتى لا أفضل عدة مرات!»: توای معلم!

- (۱) بی شک راه تو تنها برای موفقیت من بوده است، از تو آموختم تا بارها زندگی را نیازم هرگز موفق نخواهم شد!
- (۲) قطعاً تو بی تنها راه نجات من، بی شک از تو آموختم که من نخواهم توانست موفق شوم تا بارها زندگی را نیازم!
- (۳) قطعاً به تنهایی راه نجات من بودی، از تو آست که آموختم هرگز موفق نمی شوم تا بارها در زندگی شکست نخورم!
- (۴) بی شک تنها راه موفقیت من بوده ای، قطعاً از تو آموخته ام که تا بارها شکست نخورم در زندگی موفق نخواهم شد!

۳۲- گزینه ۴

قد كنت (دوم شخص: قطعاً، بی شک بودی)، رد گزینه ۱ (بوده است: سوم شخص)، رد گزینه ۲ (تویی: ترجمه نشده)
 لن ننجح (لن+مضارع=آینده منفی: موفق نخواهم شد)، رد گزینه ۲، (نخواهم توانست موفق شوم) و رد گزینه ۳ (موفق نمی شوم)
 حتی لا أفضل عدة مرات (تا بارها شکست نخورم)، رد گزینه ۱ و ۲، ترجمه روان نیست

۳۳- «مَنْ مَلَ و عَاء وجوده بالآلاف و حتى بالمئات من الحسنات فقد جعل نفسه غنيّة و لا يحتاج إلى الآخرين!»:

- (۱) کسی اگر ظرف درونش، از هزارها و حتی صدها عمل خیر پر شود، خود را غنی کرده و به غیر نیاز ندارد!
- (۲) هرکس ظرف درونش، با هزارها و صدها خوبی پر شود، نفسش را بی نیاز می کند و احتیاجی به غیر ندارد!
- (۳) کسی که ظرف درون خویش را با صدها و هزاران نیکی پر کند، خود را غنی گردانده که به دیگران احتیاج نداشته باشد!
- (۴) هرکس ظرف وجود خود را با هزاران و حتی صدها عمل خیر پر کند، نفس خود را بی نیاز می گرداند و نیازی به دیگران ندارد!

۳۳- گزینه ۴

ملأ (فعل شرط و متعدی: پر کند)، رد گزینه ۱ و ۲ (پر شود)، بصورت لازم ترجمه کرد
 املاً: پر شد ملأ: پر کرد
 بالآلاف و حتى بالمئات (با هزاران و حتی صدها)، رد گزینه ۱ (ب: از هزارها و حتی صدها) و رد گزینه ۲ و ۳ (حتی ترجمه نشده)
 و لا يحتاج (مضارع: و نیاز ندارد)، رد گزینه ۳ (واو بصورت «کاف» ترجمه شده و فعل بصورت ماضی التزامی ترجمه شده «نداشته باشد»
 الآخرين (دیگران)، رد گزینه ۱ و ۲ (غیر، ترجمه روانی نیست)

اگر در گزینه ۱ اضافیه و معادل عربی آن نیست

خیلی مهم: فقد جعل (جواب شرط و ماضی)، هم بصورت ماضی و هم بصورت مضارع ترجمه میشه (غنی کرد، بی نیاز می کند)، ترجمه در هر چهار گزینه صحیح است



۳۴- عین الصحیح:

- (۱) ما من حضارة أكتشفت إلا و هي تُؤكّد أنّ الإنسان ما خلق عبثاً: هیچ تمدنی کشف نشده است مگر اینکه تأکید می کند که انسان بیهوده خلق نشده است!
- (۲) الصدق هو أن لا يكذب اللسان، و الصداقة هي أن لا يكذب القلب: راستگویی آن است که ~~به زبان دروغ نگوید~~، و دوستی آن است که ~~در دل دروغ نگوید~~!
- (۳) إنما يلجأ الأطفال إلى والديهم عندما يواجهون خطراً: کودکان وقتی با خطر مواجه می شوند معمولاً به والدین خود پناه می برند!
- (۴) يكاد أن يُنشد الشعر من رؤية هذه المناظر الجميلة: نزدیک بود از دیدن چشم اندازهایی چنین زیبا شعر بگوید!

۳۴- گزینه ۱

فاعل

گزینه ۲: لا يكذب اللسان (اللسان:فاعل ولی بصورت فاعلی ترجمه نکرده)، صحیحش: زبان دروغ نگوید فعل+ اسم مرفوع

أن لا يكذب القلب (القلب:فاعل ولی بصورت فاعلی ترجمه نکرده)، صحیحش: دل دروغ نگوید فعل+ اسم مرفوع

گزینه ۳: إنما (فقط و تنها)، معمولاً

گزینه ۴: هذه المناظر الجميلة (این چشم انداز های زیبا)، هذه ترجمه نکرده و المناظر، معرفه است ولی بصورت نکره ترجمه کرده

يكاد (مضارع:نزدیک است)، بصورت ماضی ترجمه کرده كاد(ماضی:نزدیک بود)

۳۵- «در زندگی این ادیب، با وجود شرایط دشوارش، بجز فعالیت نمی بینیم!»:

(۱) لا تُشاهد إلا النشاط في حياة الأديب، على رغم الظروف القاسية!

(۲) لم تُشاهد إلا الاجتهاد، مع وجود ظروفه القاسية في حياة الأديب!

(۳) لا تُشاهد في حياة هذا الأديب إلا النشاط، على رغم ظروفه القاسية!

(۴) لم تُشاهد في حياة هذا الأديب، مع وجود الظروف القاسية إلا الاجتهاد!

۳۵- گزینه ۳

نمی بینیم (مضارع منفی:لا+مضارع: لا نشاهد)، رد گزینه ۲ و ۴ بصورت ماضی منفی ترجمه میشه (لم نشاهد:ندیدیم)

شرایط دشوارش (در فارسی:موصوف+صفت+مضاف الیه / در عربی: موصوف+مضاف الیه+صفت): ظروفه القاسية،

رد گزینه ۱ و ۴، ضمیر «ه» ترجمه نشده (الظروف القاسية)

زندگی این ادیب (حياة هذا الأديب)، رد ۱ و ۲، هذا ترجمه نشده (حياة الأديب)



◆◆ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (٣٦ - ٤٢) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

إِنَّ الْجَاهِلَ لَا يُحَاسِبُ عَاقِبَةَ أَمْرِهِ، فَلَا يَتَعَقَّلُ فِي مَوَاجَهَةِ الْأُمُورِ. فَحَنَّا لَنَقْصِدَ مِنَ الْجَاهِلِ مَنْ لَا يُحْسِنُ الْقِرَاءَةَ وَالْكِتَابَةَ، بَلْ هُوَ الَّذِي لَا يَسْتَعْمِدُ قُوَّةَ عَقْلِهِ فَيَسْتَسَلِمُ أَمَامَ ظَاهِرِ الْأَشْيَاءِ وَيَقْبَلُ مَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُهُ! اِقْرُؤُوا الْقِصَّةَ التَّالِيَةَ وَاعْتَبِرُوا عَاقِبَةَ الْحِمَاةِ:

كَانَ حِمَارٌ يَحْمَلُ كَيْسَيْنِ كَبِيرَيْنِ مِنَ الْمَلْحِ. وَقَدْ أَصَابَهُ التَّعَبُ مِنْ طَوْلِ الطَّرِيقِ وَشِدَّةِ حَرَارَةِ الشَّمْسِ، فَوَقَفَ عَلَى بَرَكَةِ مَاءٍ لِيَشْرَبَ، فَزَلَّتْ رِجْلَاهُ وَوَقَعَ فِي الْمَاءِ. عِنْدَمَا أَخْرَجَهُ صَاحِبُهُ مِنَ الْبَرَكَةِ شَعَرَ بِأَنَّ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْبُضَاعَةِ قَدْ أَصْبَحَ خَفِيفًا، فَمَلَأَتْهُ الْفَرَحَةُ! وَفِي يَوْمٍ آخَرَ مَرَّ هَذَا الْحِمَارُ قُبَيْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ بِنَفْسِ تِلْكَ الْبَرَكَةِ وَكَانَ يَحْمَلُ الْكَيْسَيْنِ فِيهِمَا ثِيَابًا. فَعَزِمَ أَنْ يُخَفِّفَ مَا عَلَيْهِ، فَذَهَبَ قَرَبَ الْمَاءِ وَوَقَعَ فِيهِ؛ وَلَكِنْ عِنْدَ الْخُرُوجِ ... فَوْقَ مَا وَقَعَ ...!

٣٦- أَيِّ مَوْضُوعٍ لَمْ يَأْتِ فِي النَّصِّ؟

(١) الْمَقْصُودُ مِنْ كَلِمَةِ «الْجَاهِلِ»

(٢) حَجْمُ الْكَيْسِ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ

(٣) سَبَبُ اقْتِرَابِ الْحِمَارِ مِنَ الْبَرَكَةِ

(٤) زَمَانُ سِيرِ الْحِمَارِ نَحْوَ الْبَرَكَةِ

٣٧- جَوَابُ أَيِّ سَوْأَلٍ لَمْ يَأْتِ فِي النَّصِّ؟

(١) إِلَى أَيْنَ كَانَ صَاحِبُ الْحِمَارِ يَذْهَبُ؟

(٣) كَيْفَ تَكُونُ حَالَةُ الْجَاهِلِ حِينَ يُوَاجِهُ الْأُمُورَ؟

٣٨- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(١) لَمْ يَبْقَ مِنَ الْمَلْحِ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى إِلَّا قَلِيلًا.

(٢) اسْتَطَاعَ الْحِمَارُ بِنَفْسِهِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَاءِ.

(٣) عَدَدُ الْأَكْيَاسِ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ لَمْ يَكُنْ بَعْدَ الْمَرَّةِ الْأُولَى.

(٤) وَصَلَ الْحِمَارُ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى إِلَى الْبَرَكَةِ صَبَاحًا وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ ظَهْرًا .

٣٩- عَيِّنِ مَا لَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

(١) عَاجِزُ الرَّأْيِ مُضَيِّعٌ لِحَيَاتِهِ.

(٢) إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ

(٣) الْعَاقِلُ يَغْتَنِمُ كُلَّ الْفُرْصِ فِي الْحَيَاةِ.

(٤) كُنْ كَمَنْ إِذَا نَظَرْتَ عَيْنَاهُ أَمْرًا صَارَ عِبْرَةً لَهُ.

مصطفى قديمی فرد
@ghadimifardarabi
۰۹۱۷۴۴۲۶۰۹

(٢) أَشْعَرَ الْحِمَارُ بِالْعَطَشِ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ؟

(٤) مَا الْفَرْقُ بَيْنَ حَالَةِ الْحِمَارِ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى وَالْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ؟



۴۰- گزینه ۲

یتعقل

بر وزن یتفعل از باب تفعل و ماضیه تَفَعَّلَ «تَعَقَّلَ»
رد گزینه ۲: عَقَّلَ «فَعَّلَ» از وزن تفعیل (خطا)

خیلی مهم:

گزینه ۱ و ۴ گفته از وزن تفعل ولی

گزینه ۲ گفته از وزن فَعَّلَ، پس

صد در صد گزینه ۲ خطاهه

◆ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰ - ۴۲)

۴۰ - « یتعقل »:

- ۱) فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة (عقل) - مصدره « تعقل » على وزن « تفعل »
- ۲) مضارع - ماضیه « عَقَّلَ » على وزن « فَعَّلَ » - معلوم - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- ۳) فعل مضارع - للمفرد مذكر الغائب - له حرفان زائدان - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- ۴) مضارع - حروفه الأصلية « عقل » و له حرفان زائدان - ماضیه « تعقل » على وزن تفعّل

۴۱- گزینه ۴

اعتبروا

بر وزن افتعلوا (فعل امر للجمع المخاطب: عبرت بگیرید)
رد گزینه ۴: للجمع المذكر الغائب (خطا)

خیلی مهم:

در صورتی که عین الفعل فعل های

مزید کسره- داشته باشه، امر به

حساب میاد و ماضی نیست

۴۱ - « إعتبروا »:

- ۱) فعلٌ، ماضیه: « اعتبر » على وزن « افتعل » و له حرفان زائدان - مع فاعله جملة فعلية
- ۲) فعل أمر - للجمع المخاطب - حروفه الأصلية « ع ب ر » و له حرفان زائدان
- ۳) فعلٌ و مصدره « اعتبار » على وزن « افتعال » - فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- ۴) فعل ماضٍ - للجمع المذكر الغائب - مصدره « اعتبار » على وزن افتعال

۴۲ - « مواجهة »:

- ۱) اسم - مفرد مؤنث - مصدر على وزن « مفاعلة » - مجرور بحرف « في »
- ۲) اسم الفاعل منه: « مُوَاَجِهَةٌ »، مضارع: « يُوَاَجِهُ » - في مواجهة: جار و مجرور
- ۳) مفرد مؤنث - مصدر، و ماضیه: « وَاَجِهَ » على وزن « فاعل » - مجرور بحرف الجر
- ۴) اسم - مصدر على وزن « مفاعلة »، ماضیه « تُوَاَجِهَ » على وزن « تفاعل » - مجرور بحرف الجر

۴۲- گزینه ۴

مواجهة

بر وزن مفاعلة (ماضیه: فاعل «واجه» / مضارع: يُفَاعِلُ «يُوَاَجِهُ» و مصدر آن مُفَاعَلَةٌ «مواجهة»)
رد گزینه ۴: ماضیه «تواجه» على وزن تفاعل (خطا)

خیلی مهم:

گزینه ۱ و ۲ و ۳ گفته از وزن مفاعلة ولی گزینه ۴ گفته از وزن تفعل، پس صد در صد گزینه ۴

خطاهه



۴۳- گزینہ ۳

المزارع: (خطا)

المزارع (صحیح)

مزارع (کشاورز) / مزارع (مزرعه ها)

درگزینہ ۳: المزارع بمعنای مزرعه ها و باید روی « م » فتحه - باشد

مصطفی قدیمی فرد
@ghadimifardarabi
۰۹۱۷۴۴۰۳۶۰۹

۴۴- گزینہ ۲

گزینہ ۱: العشاء (شام، عصرانه): زمانی از زمان های که در آن خوراک می خوریم (خطا)

گزینہ ۲: المعرب (عربی شده): کلمه بیگانه هرگاه وارد زبان عربی می شود (صحیح)

گزینہ ۳: البحيرة (دریاچه): محل اجتماع آبی که زمین آن را از بعضی جهات احاطه می کند (خطا)

گزینہ ۴: العداة (دشمنان): جمع مکسر برای کلمه «عادی» و او کسی است که به کشورش بر می گردد (خطا)

۴۵- گزینہ ۱

«بهترین بی نیازی، قناعت است»

=

اگر صدف (به یک قطره آب) قناعت نکند صاحب گنج و مروارید نمی شود

۴۵ - عین الصحیح عن ما یُعادل المفهوم: «خَيْرُ الْغِنَى الْقَنَاعَةُ»

(۱) تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد!

(۳) قانع شدم به نانی، اما نشان نیدی! (۴) جون قانع شدی، سنگ و سمیت یک است!

۴۶- گزینہ ۴

گزینہ ۱: مأخذ

گزینہ ۲: مصادر (مصدر)

گزینہ ۳: المقابر (المقبرة)

گزینہ ۴: اسم مکان نداریم

۴۶ - عین ما لیس فیہ اسم المكان:

(۱) أنشد الشاعرُ شعرًا جميلًا و مأخذُ قوله آية من آيات القرآن الكريم!

(۲) كتب التلاميذُ مقالاتٍ مهمةً استفادوا لها من مصادرٍ كثيرة!

(۳) يُزین الناسُ المقابرَ و لا ينتفع من هذا التزيين إلا أنفسهم!

(۴) مهنةُ أبي صعبةٌ جدًا، إنه يعمل من الصباح حتى الليل



مصطفی قديمی فرد
@ghadimifardarabi

۴۷ - عین «ال» تفید معنی الإشارة:

- ۱) رأیت سیاراتٍ كثيرة؛ السيارات كانت في ساحة المدرسة!
- ۲) سيذهب الشاعرُ إلى مجمع الشعراء؛ ذلك الشاعر يتكلم عن شعره الحديث!
- ۳) ليلة الامتحان قريبةٌ و الامتحانات صعبة لي؛ لأني ما قرأت دروسي حتى الآن!
- ۴) وقفت سيارة زميلي في مكان وقوف السيارات؛ هذه سيارة اشتراها زميلي أخيرًا!

۴۷- گزینه ۱

◆ چه موقع «ال» به معنای اسم اشاره است؟ **اسم نکره + تکرار همان اسم نکره همراه با ال**

گزینه ۱: **خودروهای** بسیار دیدم **آن خودرو ها** در میدان مدرسه بودند: سیارات(نکره) + (معرفه به ال)

در گزینه ۴، **سیارة(اسم نکره) داريم بعد از آن السیارات داريم چون جمع شده، «ال» بمعنای اسم اشاره نیست باید هر دو مفرد یا هر دو جمع باشند**

۴۸ - عین الخطأ عن العدد:

- ۱) كانت عندنا **أربعون وثمانی** ورقةً للرّسم،
- ۲) كان في المدرسة اثنا عشر تلميذًا، و ورّعناها بينهم،
- ۳) صار سَهْمُ كُلٍِّ منهم أربع و رقات و عددًا من الأقلام الملوّنة،
- ۴) و رَسَمَ كثيرٌ من التلاميذ على ثلاث و رقات فقط و بقيت واحدة منها!

۴۸- گزینه ۱

در فارسی: **دهگان + یکان ولی در عربی: یکان + دهگان ۴۸: أربعون و ثمانی(خطا) صحیحش: ثمانی و أربعون**

۴۹ - عین ما فيه الشرط:

- ۱) من صنع أولَ سيارةٍ، صنعها بثلاثِ إطارات!
- ۲) من يُعجبني كان حارسَ مرمى في فريقٍ نشيط!
- ۳) **من يَغرس** الأشجارَ في الحدائق **يَجِد** ثمرتها بعد زمنٍ!
- ۴) من يَبحث عن هذه الكتب المفيدة صديقي المجد!

۴۹- گزینه ۳

هرکس درختان در باغ ها بکارد میوه اش بعد از زمانی می یابد (من:ادات شرط/ یغرس:فعل شرط / یجد:جواب شرط)

***من در بقیه گزینه ها بصورت شرطی(هرکس و هر آنکه) بهش نمیخوره و شرط نیست**



مصطفی قدیمی فرد
@ghadimifardarabi
۰۹۱۷۴۴۰۲۶۰۹

۵۰- گزینه ۲

۵۰- عین «تساعد» یوضّح ما قبله:

- ۱) أحبّ من تُساعد الآخرين بشوق و رأفة!
- ۲) رأيت طالبة تُساعد زميلاتها في دروسهنّ!
- ۳) هذه الطالبة تُساعد كلّ التلميذات في الصفّ!
- ۴) كانت تلك الطالبة تُساعدني دائمًا في دروسي!

روی سوال: مشخص کن «تساعد» که ما قبل خودش را توضیح دهد یعنی کجا «تساعد» صفت جمله یا جمله بعد از نکره است

پاسخ: باید دنبال تساعد بگردیم که قبل از آن اسم نکره باشد و آن فعل نقش دیگر نداشته باشد

گزینه ۲: طالبة(اسم نکره)+ تساعد(صفت جمله)

ارجو لکم ولکنّ النجاح/قدیمی فرد-استان بوشهر، بندر کنگان

۰۹۱۷۴۴۰۲۶۰۹ / @ghadimifardarabi : لینک کانال تلگرام

